

بازخوانی نظریه «اشتراط تعدد اقرار در اثبات زنا»

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا امینی*

محمد محسنی دهکلانی*

چکیده:

زنا، تنها بواسطه تعدد و تکرر اقرار (چهاردفعه) اثبات می‌شوند و اقرار به کمتر از آن موجب ثبوت حد نیست. این نظریه‌ای است که مشهور فقهای امامیه بدان قائلند. در این میان، ابن ابی عقیل عمانی در برابر جریان مشهور اقرار گرفته و معتقد است این‌گونه جرائم بوسیله یک اقرار نیز قابل اثبات است.

نگارنده با بازخوانی این مسئله و با تحلیل و ارزیابی مدارک و مستندات هر دو قول، نظریه سومی را اختیار نموده است. اجمالاً نگارنده معتقد است یک اقرار واجد تمام شرایط نفوذ، برای اثبات جرم فوق کافی است. لکن تنها در زنا، موجب رجم بواسطه وجود روایات در این زمینه اثبات آن محتاج چهار اقرار مستقل است. اصل و صدر این نظریه علاوه بر دارا بودن دلیل خاص با عمومات و اطلاقات ادله نظیر عموم «اقرار العقلاء علی انفسهم جایز» سازگار است و فقره پایانی آن با «اصل احتیاط در دماء» همخوانی بیشتری دارد. ظاهراً نگارنده در ارائه این قول متفرد است و مقاله حاضر نمایانگر تکاپوی وی در اعتبار دهی به مدعای خویش است.

کلید واژه‌ها: زنا، ادله اثبات، اقرار، اشتراط تعدد، رای شاذ.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (استاد راهنما)

* دانش‌آموخته دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات و عضو هیئت علمی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

Mmdehkalany@yahoo.com

مقدمه:

شکی نیست، شارع مقدس اقرار را به عنوان یکی از ادله اثبات بلکه قویترین آنها دانسته است لکن پرسش اصلی در پژوهش حاضر آن است که آیا زنا بواسطه یک اقرار اثبات می‌شود و یک اقرار تنها در اثبات آن کافی خواهد بود؟ و یا اینکه اثبات آن و دیگر جرائم مشابه نیازمند تعدد و تکرار اقرار است؟ و با این فرض که تکرار اقرار را شرط بدانیم سوال دومی که مطرح می‌شود آن است که حداقل اقادیر لازم در اثبات چنین جرائمی چند تاست؟

بیان اقوال

قبل از بررسی ادله موجود به بیان اقوال در این مسئله می‌پردازیم:

الف) فقهای امامیه، در این باره دو قول را برگزیده‌اند که یکی منسوب به مشهور ایشان و دیگری رأی شاذی است که منسوب به ابن ابی عقیل عمانی است.

۱- قول مشهور: مشهور فقهای امامیه معتقدند جرائمی مثل زنا با اقرار کمتر از ۴ بار اثبات نمی‌شوند ذیلاً به کلام برخی از ایشان اشاره می‌کنیم:

مرحوم مفید در مقنعه می‌نویسد: «اذا اقر الانسان علی نفسه بالزنا اربع مرات علی اختیار منه للاقرار وجب علیه الحد و ان اقر مرة أو مرتین أو ثلاثاً لم یجب علیه الحد بهذا الاقرار» (مفید ۱۴۱۰، ۷۷۵) جناب شیخ مفید در این عبارت به صراحت معتقد است جرائم جنسی موجب حد تنها با ۴ اقرار اثبات می‌شوند و حتی تصریح می‌کند اقرار به کمتر از آن مثبت حد نیست. البته خواننده محترم توجه دارد ذکر جرم زنا در کلام مفید و دیگر فقها موضوعیتی ندارد و مطلب مورد اتفاق همه ایشان است که تمام جرائم جنسی موجب حد از این حیث، واجد حکم یکسانی هستند.

جناب سالر در المراسم می‌فرماید «و کل حدود الزنا- علی اختلافها- لا تثبت الا ... الاقرار اربع مرات « (سالر، المراسم العلویه، ۱۴۱۴، ۲۵۴) علی اختلافها در کلام وی اشاره به این نکته است که همه اقسام زنا از حیث نوع حد (رجم، جلدو...) از جهت چگونگی اثبات، فرقی میان‌شان نیست.

قاضی ابن براج نیز معتقد است « فاما الاقرار فهو اقرار الانسان الكامل العقل المختار على نفسه اربع مرات... فان أقر أقل من اربع مرات لم يحكم عليه بالزنا » (قاضی ابن براج، بی تا، ۲، ۵۲۴) همو در جایی دیگر مجددا تاکید می کند. « فاقرار المرثه على نفسها اربع مرات بذلك كما سلف ذكره في الزنا » (همان، ۵۳۲)

صاحب مبسوط و نهاییه به تبعیت از اسلاف خود می فرماید « لا يثبت حد الزنا الا بالاقرار اربع مرات من الزانی » (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ۸، ۴) از میان متاخرین نیز علامه به پیروی از دیگران می فرماید « المشهور عند علمائنا انه لا يقبل الاقرار بالزنا الا اربع مرات ذهب اليه الشیخان و ابن جنید و غیر هم ... » (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۹، ۱۶۵) همانطور که از کلام علامه بر می آید قول به اشتراط تعدد اقرار مختار مشهور امامیه است.

شهید ثانی در مسالک همین قول را برمی گزیند و تصریح می کند «اتفق الاصحاب الا من شد على ان الزنا لا يثبت على المقربة على وجه يثبت به الحد الا ان يقربه اربع مرات» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۱۴، ۳۴۱) شهید این قول را مشهور قریب به اجماع می داند.

ابن ادريس در سرائر (۴۶۸، ۳) محقق در شرایع (۹۳۶، ۴) و مختصر النافع (۲۱۴) فاضل آبی (الفاضل، بی تا، ۲، ۵۴۳) علامه در آثار خود (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۳، ۵۲۲) - علامه حلی، ۱۴۱۰، ۲، ۱۷۱ - علامه حلی، ۱۴۲۰، ۲، ۲۲۱) و دیگران (شهید ثانی، بی تا، ۹، ۳۳ - مقدس اردبیلی، بی تا، ۱۳، ۲۳ - سید علی طباطبایی، ۱۴۰۴، ۲، ۴۶۲ - سید احمد خوانساری، ۱۳۵۵، ۷، ۱۶) نیز با عباراتی قریب به یکدیگر همین قول را اختیار نموده اند.

شهرت این قول به حدی است که صاحب جواهر آن را بلاخلاف یافته است وی می فرماید « و تکرار الاقرار اربعاً في اربعة مجالس بلا خلاف معتد به اجده في الاول عندنا » (شیخ محمد حسن نجفی، ۱۳۶۷، ۴۱، ۲۸۰) و حتی فاضل هندی ادعای اجماع بر آن می کند «الاول الاقرار ... و تکراره اربع مرات للأصل و النصوص و الاجماع ... » (فاضل هندی، ۱۴۰۵، ۲، ۳۹۴)

لکن اقرب به واقع همان است که علامه در مختلف و شهید در مسالک فرموده اند و قول مذکور دارای شهرت عظیمه (سید ابوالقاسم خویی، بی تا، ۱، ۱۷۵) است و اجماع مورد ادعا مخالف دارد.

۲- قول نادر: در این میان تنها ابن ابی عقیل عمانی از قدمای امامیه در مقابل جریان مشهور قرار دارد علامه حلی در مقام نقل کلام ایشان در کتاب مختلف الشیعه می‌نویسد «قال ابن ابی عقیل: اذا اقر الرجل أو المرأة بالزنا ثم جحدا جلدًا و قد قیل اذا اقر المحصن بالزنا رد اربع مرات ثم رجم و هذا یعطى قبول المرأة الواحدة» (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۹، ۱۶۵) از آنجا که از کتب فقهی قدیمین چیزی در دست نیست به ناچار براساس نقل دیگران باید به قضاوت و داوری سخن ایشان نشست طبق نقل علامه از کلام ابن ابی عقیل دو احتمال در مورد کلام ایشان به ذهن می‌رسد.

احتمالات کلام ابن ابی عقیل

احتمال اول اینکه عبارت و قد قیل ادامه نقل سخن ابن ابی عقیل باشد در این صورت نظر ابن ابی عقیل این است که زنا بواسطه یک اقرار ثابت می‌شوند بجز زناى محصن که اثبات آن محتاج ۴ اقرار است مؤید این احتمال آن است که در این مسئله قائل سومى نمی‌شناسیم تا قول قیل را به وی نسبت دهیم.

اما اشکالاتی به این احتمال وارد است که از آن جمله ناسازگاری با ظاهر کلام علامه است چرا که ظاهراً «قیل» قولی مستقل از عبارت قبلی است ثانیاً: همه بزرگانی که در این مسئله متعرض کلام ابن ابی عقیل شده‌اند «قول به اعتبار اقرار واحد را در مطلق زنا» به وی نسبت می‌دهند و قایل به تفصیل در نقل کلام ایشان نشده‌اند.

همان‌طور که شهید در مسالک می‌نویسد: «یظهر من ابن ابی عقیل الا کتفاء بمره» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۱۴، ۳۴۱) و یا صاحب ریاض آنجا که می‌نویسد «تکرار الاقرار اربعاً لا خلاف فیه الا من ظاهر العماني فاكتفى بالواحد» (سید علی طباطبایی، ۱۴۰۴، ۲، ۴۶۲) یا شیخ جوهری در مقام تضعیف قول ابن ابی عقیل می‌گوید «نعم عن اکثر العامه الاکتفاء بالمره و نسب الی ظاهر ابن ابی عقیل منا و لا ریب فی ضعفه» (شیخ محمد حسن نجفی، ۱۳۶۷، ۴۱، ۲۸۰)

از ظاهر تمام نقل‌های مذکور معلوم می‌شود قول به اعتبار اقرار واحد در مطلق جرائم جنسی موجب حد مختار ابن ابی عقیل عمانی در آثارش می‌باشد.

احتمال دوم: با این توضیح به نظر می‌رسد احتمال دوم کلام ابن ابی عقیل احتمال ارجح باشد

که وی اقرار واحد را در اثبات مطلق این گونه جرائم کافی می‌داند در این صورت در توجیه کلام علامه باید گفت قول ابن ابی عقیل همان صدر کلام علامه است لکن (وقید قیل) اشاره به روایتی است که دلالت دارد بر عدم اثبات زناى محصن مگر با ۴ اقرار، با این توجیه در واقع (قیل) قول نیست بلکه وجهی است که روایت دال بر آن است (ما متن روایت را تحت عنوان صحیحه فضیل بعداً نقل خواهیم نمود) این احتمال با ذیل کلام علامه نیز تناسب بیشتری دارد آنجا که می‌فرماید: «هذا يعطى قبول المرة الواحدة» (مختلف الشیعه، همان)

ب) فقهای اهل سنت

اختلاف بیان شده در عبارات فقهای امامیه، عیناً در میان فقیهان عامه نیز وجود دارد البته با این تفاوت که (اکتفا به اقرار واحد) بر خلاف شیعه، قول اکثر عامه است (اسماعیل المزنی، ۱۴۰۲، ۲۶۱ - الحاوی الکبیر، ۱۳، ۲۰۶ - الوجیز، ۱۹۶، ۲، رحمه الأمامه، ۲۸۶، ابن رشد، بی تا، ۲، ۴۳۸)

در مقابل نیز برخی از ایشان مطابق مشهور امامیه چهار اقرار مجزا را در اثبات جرائم جنسی موجب حد لازم می‌دانند (السرخسی، بی تا، ۹۱، ۹ - تبیین الحقائق، ۳، ۱۶۶ - ابوبکر الکاشانی، ۱۴۰۹، ۷، ۵۰ - ابن قدامه، بی تا، ۱۰، ۱۶۰) در اینجا به همین مقدار از نقل اقوال بسنده می‌کنیم و به ارزیابی ادله دو قول می‌پردازیم.

مفاد ادله

مقتضای قاعده باب

قبل از ورود به ادله هر یک از دو قول مشهور و شاذ، شایسته است به تاسیس اصل پیردازیم تا مرجع ما در موارد شک قرار گیرد. شاید در مقام ارائه اصل می‌توان ادعا نمود، سیره عقلا بر قبول مطلق اقرار واحد همه شرایط اعتبار، مبتنی است نتیجه این که انسان در مقام ترتب آثار بر اقرار مقرر نیازی به تکرار اقرار از سوی وی نمی‌بینید و چه بسا به همان اقرار اول به صحت گفته

وی قطع حاصل کنند.

اقرار از این جهت با بینه متفاوت است چرا که با یک، دو، سه و حتی چهار شاهد نیز برای انسان قطع به صحت شهادت حاصل نمی‌شود اما اقراری که به دنبال خود، مال، جاه، مقام و را برای مقرر به همراه ندارد و بلکه مقرر به چیزی اقرار می‌نماید که موجب جلد و حتی رجم وی می‌شود و خودش را آماده اجرای حد می‌نماید بلکه مقرر با اقرار خود درخواست و حتی التماس می‌کند تا برای تطهیر خود حد بر روی اقامه شود چرا که معتقد است عذاب دنیا راحت‌تر از عذاب اخروی است، چنین اقراری موجب حصول قطع برای انسان می‌شود که قول و اقرار مقرر صحیح است و لو این که یکبار باشد زیرا اقرار وی انگیزه‌ای جز صدق وی و ترس مقرر از عذاب الهی ندارد و وی به دنبال تطهیر خودش از تبعات عملی است که مرتکب شده است بدیهی است چنین اقراری تنها از سوی اهل ایمان و اخلاص و یقین صادر می‌شود لذا شاید بتوان گفت: فرای ادله وارد در موضوع مقتضای قواعد ادله، اکتفا به اقرار واحد در اثبات جرائم می‌باشد چرا که اصل عدم اشتراط زیادت است و عمومات و اطلاعات ادله نظیر عموم (اقرار العقلاء علی النفسهم جایز) نیز با آن سازگار است.

مقتضای أدله

ابتدا مدارک و مستندات قول مشهور را بررسی می‌کنیم و در ادامه به سنجش مدارک قول

نادر می‌پردازیم

الف) ادله قول مشهور

مشهور فقها به صحت مدعای خود به ادله مختلفی تمسک نموده‌اند که از لا بلای کتب

فقهی قابل دستیابی است ادله‌ای نظیر:

۱- اخبار:

روایت اول) روایتی است از صدوق به سندی معتبر از سعد بن طریف از اصبع بن نباته قال أتت امرأة مجح امیر المومنین فقالت یا امیرالمؤمنین (ع) انی زینت فطهرنی طهرک الله فان عذاب الدنيا أیسر من عذاب الآخرة الذی لا یقطع فقال لها مم اطهرک؟ قالت من

الزنا فقال لها: فذات بعل أنت أم غير ذات بعل؟ فقالت ذات بعل - الى أن قال - قلما و لت عنه المراه من حيث لا تسمع كلامه قال اللهم هذه شهادة فلم تلبث أن أته فقالت انى وضعت فطهرنى فتجاهل عليها و قال اطهرك يا أمه الله مماذا؟ قالت انى زنيت - الى ان قال - فلما ولت حيث لا تسمع كلامه قال اللهم انهما شهادتان فلما ارضعته عادت اليه فقالت يا امير المؤمنين الى زنيت فطهرنى قال لها و ذات بعلاذ فعلت ما فعلت أم غير ذات بعل قالت بل ذات بعل قال و كان زوجك حاضراً أم غالباً قالت بل حاضراً قال اذهبي فاكفليه - الى ان قال - فانصرف و هى تبكى فلما ولت حيث لا تسمع كلامه قال اللهم هذه ثلاث شهادات الى ان قال فرجعت فاخبرت أمير المؤمنين بقول عمرو فقال امير المؤمنين و لما يكفل عمرو ولدك قالت يا امير المؤمنين الى زنيت فطهرنى - الى ان قال - فرفع امير المؤمنين راسه الى السماء و قال اللهم انه قد اثبت ذلك عليها اربع شهادات الحديث (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۸)

روایات مطابق با متن الفقیه است صاحب وسایل خیر مزبور را به قضاوت‌های امیر المؤمنین نسبت داده است و به نظر می رسد صاحب وسایل دچار سهو القلم شده است (سید ابوالقاسم خویی بی‌تا، ج ۱، ۱۷۴)

روایت دوم (روایتی است از جمیل بن دراج از برخی اصحاب از یکی از صادقین علیهما السلام فی رجل اقر علی نفسه بالزنا اربع مرات و هو محصن رجم الی ان یموت أو یکذب نفسه قبل ان یرجم فیقول لم افعل فان قال ذلك ترک ولم یرجم - الی ان قال - لا یرجم الزانی حتی یقر اربع مرات بالزنا اذا لم یکن شهود فان رجع ترک و لم یرجم (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۸) این مسئله نیز دلالت دارد بر این که برای اجرای حد رجم در زنا نیازمند به چهار اقرار مستقل هستیم.

روایت سوم (خبری است از علی ابن ابراهیم از احمد بن محمد که آن را مرفوعاً به امیر المؤمنین رسانید راوی می گوید: اتاه رجل بالكوفه فقال يا امير المؤمنين انى زنيت فطهرنى قال ممن أنت قال من مزينة قال اتقرء من القرآن شيئاً؟ قال بلى قال فاقراً فقراً فاجاد فقال ابك جنه قال لا قال فاذهب عنى حتى نسال عنك فذهب الرجل ثم رجل اليه بعد فقال يا امير المؤمنين انى زنيت فطهرنى قال الك زوجة؟ قال بلى قال فمقيمه معك فى البلد؟ قال نعم فامرهم امير المؤمنين فذهب و قال حتى نسال عنك فبعث الى قومه فسال عن خبره فقالوا يا امير المؤمنين صحيح العقل

فرجع اليه الثالثه فقال مثل مقالته فقال اذهب حتى نسال عنك فرجع اليه الرابعه فلما اقر قال اميرالمؤمنين لقنبر احتفظ به ثم غضب الحديث در ادامه روایت آمده که وی را رجم نمود(همان، ۱۸)

روایت چهارم) روایتی است از ابن ابی عمیر از جمیل از امام صادق (ع) که فرمود لا یقطع السارق حتی یقر بالسرقة مرتین و لا یرجم الزانی حتی یقربالزنا اربع مرات (همان، ح ۳)
 روایت پنجم) خبری است از ابی مریم از امام باقر(ع) که فرمود: انت امراء امیرالمؤمنین فقالت انی قد فجرت فا عرض بوجهه عنها فتحولت حتی استقبلت وجهه فقالت انی قد فجرت فا عرض عنها ثم استقبله فقالت انی قد فجرت فا عرض عنها ثم استقبله فقالت انی فحجست و كانت حاملا فتربص بها حتی وضعت ثم امر بها بعد ذلك فحفر لها حفیره فی الرجه و خاط علیها ثوبا جدیدا و ادخلها الحفیره الی الحقو و موضع الثدین و اغلق باب الرجه و رماها بحجر الحديث (همان، ح ۵)

از طرق عامه نیز اخباری در خصوص اشتراط تعدد اقرار موجود است که در ادامه یکی از آن اخبار را ذکر می کنیم

روایت ششم) خبری است معروف به حدیث ماعز که ابن مسیب و ابی سلمه از ابوهریره نقل کرده اند که گفته است اتی رسول الله (ص) رجل من الناس و هو فی المسجد فناداه یا رسول الله انی زنیت یرید نفسه فاعرض عنه النبی(ص) فتنحی لشق وجهه الذی اعرض قبله فقال یا رسول الله انی زنیت فاعرض عنه فجاء لشق وجه النبی (ص) الذی اعرض عنه فلما شهد علی نفسه اربع شهادات دعاه النبی فقال ابک جنون فقال لا یا رسول الله فقال احصنت؟ قال نعم یا رسول الله قال اذهبوا فارجموه (سنن البیهقی، بی تا، ۸، ۲۲۵) در برخی از الفاظ حدیث آمده است شهدت علی نفسک اربع شهادات اذهبوا به فارجموه (السجستانی، بی تا، ۴، ۱۴۷) و در روایت دیگری این گونه آمده است انه لما اعترف ثلاث مرات قال له ان اعترفت الرابعه رجمتک فاعترف الرابعه. آنچه که تمام روایات مذکور به صراحت بر آن دلالت دارند این است که اجرای حد چه در عصر پیامبر و چه در دوره ائمه دیگر اجرای حد زنا منوط به اقرار چهارم مقرر شده است و از این جهت فرقی میان اخبار منقول از طریق عامه با روایات منقول از طرق خاصه نیست.

اشکالات روایات فوق

لکن اشکالاتی ذیل تمام این اخبار مطرح است که از آن جمله :

اشکال اول) اشکال شده است پذیرش مکرر اقرار از سوی پیامبر و ائمه دیگر بخاطر تردیدی است که وجود دارد چرا که ممکن است مقرر در لحظه اقرار او یا در وقت ارتکاب معصیت دیوانه، شارب الخمر و... باشد لذا تاکید ایشان برای اخذ اقرارهای متعدد جهت رفع هر گونه شبهه از این جهت است. (استثبات) (شہید ثانی، ۱۴۱۳، ۱۴، ۳۴۲)

جواب اشکال: در جواب این اشکال گفته شده است: استثبات (رفع تردید) اقرار را مقید به عدد چهار نمی‌کند چرا که ممکن است نسبت به فردی بعد از حتی اقرار نخست به صحت گفته وی (تثبیت) اطمینان حاصل شود اما اینکه تمام معصومین در مقام اخذ اقرار و در حالت بحث و سؤال از مقرر اصرار به تکمیل اقرار چهارم داشته‌اند این نکته را می‌رساند که عدد در این گونه اقراریر موضوعیت دارد.

اشکال دوم) اشکال مهمی که بر این روایات وارد است این است که مورد همه آن‌ها رجم است یا این که اخبار تنها متعرض قسم رجم آن شده‌اند و در آن ذکری از جلد به میان نیامده است یعنی امام در مقام احراز استحقاق حد رجم اقدام به اخذ چهار اقرار از مقرر نموده است و حال آن که مدعای قول مشهور اشتراط تعدد اقرار در مطلق زناست آن چه اشکال فوق را تقویت می‌کند این است که در روایتی مثل خبر جمیل (روایت چهارم) تصریح شده اثبات سرقت نیازمند ۲ اقرار و اثبات رجم محتاج ۴ اقرار است. اگر جلد نیز بمانند رجم تنها بواسطه ۴ اقرار اثبات می‌شود ذکر آن لازم می‌بود.

جواب اشکال: برخی از فقها در مقام رفع اشکال برآمده معتقدند اگرچه مورد همه روایات رجم است لکن حکم جلد از دو طریق قابل استفاده است

۱- تنزیل اقرار به شهادت: در برخی از روایات مذکور (مثل خبر اول) امام تصریح می‌نماید اقرار به منزله شهادت است لذا همان طور که زنا جز با چهار شهادت قابل اثبات نیست اقرار به کمتر از عدد مربوط مفید اثبات نخواهد بود.

۲- اگر جلد بایک اقرار قابل اثبات بود دیگر دلیلی برای تأخیر حد بعد از اقرار اول باقی نمی ماند و امام منتظر تکمیل عدد اقرار باقی نمی ماند و حال آن که همه اخبار حاکی از آنند که تا زمانی که مقرر خود اقدام به تکمیل تعداد اقادیر بر نمی آمد ایشان اقدام به اجرای حد نمی نمودند و این به معنای تأخیر حد از وقت شرعی ثبوت نیست بلکه حتی دلیلی است بر این مطلب که شرط ثبوت حد در جرائم جنسی پایان چهارمین اقرار خواهد بود (سید ابوالقاسم خویی، بی تا، ۱، ۱۷۵).

اشکال بر جواب اشکال: به نظر می رسد توجیحات گفته شده تام نبوده و اشکال مذکور به قدرت خود باقی است چرا که در پاسخ توجیه نخست می گوئیم، اولاً تنزیل مذکور صرفاً در روایات رجم است که امام ذیل اقرار اول فرموده است (فذاذ بعل فقات ذات بعل) یعنی اقرار موجب رجم به مانند شهادت است همانطور که شهادت موجب رجم تعدد و تکرار لازم است در اقرار موجب رجم نیز اینچنین است و حال آنکه محل بحث مطلق اقرار است نه اقرار موجب رجم **ثانیاً** مجرد اطلاق شهادت بر اقرار موجب اتحاد حکم اقرار و شهادت نمی شود تا این که بگوئیم همان طور که در شهادت بر مثلاً زنا ۴ بینه برای اثبات لازم است پس در اقرار بر زنا نیز عدد خاص معتبر می باشد چرا که فرق میان اقرار و شهادت از جهات مختلف معلوم است مثلاً حاکم در عفو مجرم تائبی که بعد از اقرار توبه نمود مخیر است لکن اگر جرم همان مجرم بواسطه بینه ثابت می بود عفو وی جایز نبود.

در رد توجیه دوم نیز می توان ادعا نمود محصن و محصنه حد شان رجم است و نه جلد، رجم متفرع بر ۴ اقرار است و حال آن که لزوم تأخیر حد تنها در حد جلد است مضافاً به این که احتمال حمل ممکن است موجب تأخیر حد شود تا احیاناً موجب قتل احتمالی حمل شود این احتمال نیز بعید نیست (سید احمد خوانساری، ۱۳۵۵، ۷، ۱۷).

از این روی سؤالی که ذهن نگارنده را به خود مشغول ساخته این نکته است که چگونه قفها در مطلق زنا حد اعم از رجم و جلد حکم به اعتبار چهار اقرار نموده اند. آیا خبری در این مورد غیر از اخبار مذکور وجود دارد که نگارنده بر آن اطلاع نیافته است؟ ظاهراً پاسخ منفی است چرا که صاحب این قلم با بررسی آثار قدام و متأخرین و حتی معاصرین به دلیلی از غیر از اخبار مذکور دست نیافته است.

- آیا اجماعی مبنی بر عدم فرق میان رجم و جلد در این مورد وجود دارد؟

- آیا بواسطه تنقیح مناط حکم جلد را ملحق به رجم نموده‌اند؟

- آیا

۲- اجماع: شیخ در کتاب خلاف ذیل مسئله محل بحث می‌نویسد: دلیلنا اجماع الفرقه و اخبار هم و ایضا الاصل برائت الذمه و اذا اقر اربع مرات علی بیناه لزمه الحد بلاخلاف و لا دلیل علی استحقاقه باقرار مره واحده (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۵، ۳۷۸)

لکن این اجماع هم از جهت صغر وی و هم به لحاظ کبرای خود قابل مناقشه است چرا که همان‌طور که اذعان شد مسئله محل اختلاف است مگر اینکه خروج فرد معلوم النسب را مضر و محل به تحقق اجماع ندانیم اگر چه مدرکی بودن آن نیز موجب طرد و ورود اشکال دیگری بر آن است.

۳- تنقیح مناط: از جمله ادله ای که شایسته آن را دارند که مورد استفاده مشهور فقها قرار گیرند تنقیح مناط است بدین صورت که ادعا شود حکم اشتراط تعدد اقرار در زنا ی موجب جلد را بواسطه تنقیح مناط روایات وارد در باب زنا ی موجب رجم بدست می‌آوریم. لکن بی‌تردید می‌توان پاسخ گفت: اینجا مجرای تنقیح مناط نیست چرا که رجم اشد از جلد است از آنجا که بواسطه رجم ازهاق نفس رخ می‌دهد و حال آنکه در جلد مجرد تعذیب است و فرد خاطی بعد از آن به زندگی خودش ادامه می‌دهد لذا هیچ شباهتی میان رجم و جلد نیست لذا شایسته نیست که ملتزم شویم هر آن چه که در تحقق امر اشد و أشق شرط است و معتبر می‌باشد در امر اسهل نیز شرط باشد و لحاظ گردد.

۴- اصل برائت ذمه: جناب شیخ در فقره پایانی ادله، اصل برائت ذمه از حدود را دلیل بر شرطیت تعدد اقرار دانسته است لکن به ایشان عرض می‌کنیم سخن شما زمانی درست است که در مقام شک عامی که بدان رجوع شود وجود نداشته باشد و الا در صورت وجود چنین عامی شک ما در حقیقت، شک در تخصیص و عدم تخصیص است و مرجع رفع شک همان عام مفروض است و نه اصل برائت چرا که اصل (برائت) دلیل حیث لا دلیل و در فرض وجود عام، وجود دلیل مسلم است در ما نحن فیه حدیث نبوی اقرار العقلاء علی نفسهم جایز (حرعاملی، بی‌تا، ۱۶) عامی



است که ظهور در عموم دارد بلکه ما هم قبول داریم در اقرار زانی محصن بمقتضی روایات مذکور این عام تخصیص خورده از آن خارج می‌شویم و حکم به عدم اعتبار اقرار به کمتر از ۴ بار در باب رجم می‌دهیم و فی الجمله این عام بواسطه وجود خاص تخصیص می‌خورد اما در مورد جلد دلیلی بر استثنای شدنش از آن عام نداریم لذا در صورت شک در تخصیص مرجع عام قبلی است که مقتضی آن حجت و اعتبار یک اقرار تنهاست و این بخاطر وجود دلیل لفظی است که مقدم بر اصل عملی می‌باشد.

البته ممکن است اشکال شود جمله مذکور عام شرعی و دلیل لفظی نیست تا بدان تمسک شود بلکه این عبارت اصطیاد فقهاست لکن به نظر می‌رسد این گفته درست نباشد و ظاهر عبارت خلاف آن را ثابت می‌کند (سید محمد رضا گلپایگانی، ۱، ۱۴۱۲، ۱۳۱) اشکال: مقتضی قاعده درء الحدود عدم تأثیر یک اقرار تنهاست.

جواب: پاسخ این اشکال نیز معلوم است چرا که با وجود اصل لفظی در مقام مثل اصل عدم تخصیص و با وجود عام شرعی دیگر شبهه ای باقی نماند تا حد بواسطه آن درء و رها شود.

۵- روایت مربوط به قذف: برخی از فقهای معاصر علاوه بر پذیرش اشکالات وارده بر ادله قول مشهور، دلالت دو خبر ذیل که مربوطه به باب قذف است را مدعای قول مشهور تام دانسته لذا متمایل به رای مشهور شده‌اند (همان، ۱، ۱۳۱) متن این دو حدیث به قرار ذیل است

روایت اول) صحیح محمد بن مسلم عن ابی جعفر (ع) فی رجل قال لامراته یا زاینه انا زنیبت بک علیہ حد واحد لقتذه ایاها و اما قوله انا زنیبت بک فلاحد علیہ الا ان یشهد علی نفسه اربع شهادات بالزنا عند الامام (حرعاملی، بی تا، ۱۸) طریقه استدلال به این خبر بدین صورت است که عبارت (انه زنیبت) یعنی مرد با همسر خود قبل از نکاح و ازدواج با وی زنا نمود در این صورت از مصادیق زنا می‌باشد و یا حداقل به سبب اطلاق خبر و عدم استتصال امام، اعم از آن و زنا می‌باشد.

روایت دوم) مرسله صدوق قال: قال الصادق (ع) فی رجل قال لامراته یا زاینه قالت انت اونی منی فقال علیها الحد فیما قذفت به و اما اقرارها علی نفسه فلا تجد حتی تقر بذلک عند الامام اربع مرات (شیخ صدوق، بی تا، ۴، ۷۳)

طریقه استدلال به این خبر نیز بدین گونه است که ترک استفصال امام از اینکه آیا زناى موجب رجم است یا جلد دلیل است بر اینکه در تمام اقسام زنا اثبات آن محتاج به ۴ اقرار مستقل است.

نقد و بررسی دو خبر مزبور:

ایراداتی بر دو خبر اخیر به ذهن می‌رسد که صحت استناد به آنان را مورد تردید قرار می‌دهند اشکالاتی نظیر:

۱- ارسال خبر اخیر که موجب ضعف آن است.

۲- مورد هر دو خبر قذف است و سوال راوی نیز حکم قذفی است که قاذف همسرمقذوف است پاسخ امام نیز ابتداء متوجه سؤال راوی است در ادامه امام به دفع دخل مقدر پرداخته و به پاسخ سؤال احتمالی در ذهن راوی می‌پردازد که آیا چنین قذفی به همراه خود اعتراف به اقرار زنا نیست و در نتیجه چنین قذفی حد زنا را نیز موجب نمی‌شود؟ امام در پاسخ می‌فرماید: زنا عنوان مستقلی است که اثبات آن محتاج شرایط ویژه به خود است که از آن جمله ۴ اقرار مستقل است.

۳- بعید نیست اشتراط تعدد اقرار در کلام امام مربوط به زناى موجب رجم باشد و صرف قذف زوجین و نسبت زنا به قبل از نکاح دلیلی بر زناى موجب جلد نیست چرا که محتمل است زوج قبل از نکاح با این زن (مقذوفه) ازدواج دیگری نموده باشد. اقرار به زنا با زن مقذوفه در فرض نکاح همسر اول باشد که در این صورت متن این خبر در راستای اخبار مذکور در باب رجم است.

۲۲۵

۴- این خبر در تعارض با صحیحه فضیل است که در ادله تحت عنوان دلیل رأی نادر متن کامل آن را ذکر خواهیم کرد. ترجیح خبر فضیل هم با اطلاقات و عمومات ادله سازگار است و هم با اخبار رجم همخوانی دارد لذا حمل صحیحه محمد بن مسلم بر مورد رجم مصداق جمیع بین ادله خواهد شد و شاید به همین خاطر است که جز برخی معاصرین احدی از فقها بر ادعای خود مبنی بر شرطیت تعدد اقرار به دو خبر اخیر در باب قذف استناد نکرده است.

ب) دلیل قول نادر

گرچه از ابن ابی عقیل عمانی کتابی در دست نیست تا آراء و مستندات آن آراء را از آیینیه آثار او به نظاره بنشینیم اما همه آنانی که در آثار خود متعرض این رأی او شده‌اند صحیحه‌ای رامستند

کلامش ذکر کرده‌اند که معروف به صحیحه فضیل است متن این خبر چنین است. قال سمعت ابا عبدالله یقول من اقر علی نفسه عند الامام بحق من حدود الله مرة واحدة حراکان أو عبد أو حره کانت أو أمه فعلى الامام أن یقیم الحد علیه الذی اقر به علی نفسه کائنا من کان الا الزانی المحصن فانه لا یرجمه حتی یشهد علیه اربعه شهداء فاذا شهدوا ضربه الحد مائه جلده ثم یرجمه ... (حرعاملی، بی تا) سند این خبر صحیح است و احدی از اعلام در سند آن مناقشه ننموده است. دلالت این خبر نیز بر مدعا واضح و صریح است الا اینکه ابن ابی عقیل اقرار واحد را در اثبات مطلق زنا کافی می‌داند بنا به تصریح صحیحه فضیل در زناى موجب رجم تنها ۴ اقرار نام مثبت حد خواهند بود لذا از این جهت نیز خبر مزبور با اخبار مذکور در باب رجم سازگار است. در اینجا نگارنده شایسته می‌بیند در کنار دو نظریه مشهور و شاذ نظریه‌ای که خود بدان رسیده است را ابراز نماید در واقع نظریه صاحب این قلم مفاد همین صحیحه است که اعلان می‌دارد در زناى موجب رجم بواسطه وجود «دلیل خاص» و روایات بسیار ۴ اقرار کامل می‌تواند مثبت حد رجم باشند اما در دیگر صور زنا یک اقرار صحیح در اثبات جرم مذکور کافی خواهد بود این نظریه هم با عمومات و اطلاقات ادله نفوذ مطلق اقرار سازگار است و هم صحیحه فضیل به عنوان «دلیل خاص» مستند این نظریه است لذا نویسنده از آنجا که خبر فضیل را از حیث سند تام می‌بیند و در مدلول آن تعارضی نه با عمومات و اطلاقات ادله نه با اخبار باب رجم مشاهده می‌کند بدان تمسک جسته است و به عبارت دیگر نگارنده صحیحه فضیل را راه حل جمع بین عمومات ادله نفوذ مطلق اقرار با اخبار باب رجم مبنی بر عدم اعتبار کمتر از ۴ اقرار می‌داند.

اشکالات ذیل خبر فضیل: قابل ذکر است برخی از اساطین ایراداتی را به صحیحه وارد

نموده‌اند که اهم آن اشکالات بقرار ذیل است:

- ۱- به مقتضای این خبر فرقی بین اقرار عبد و اقرار حر نیست و حال آنکه به مقتضای قواعد فقه امامیه اقرار عبد بدون تصدیق مولی بلا اراست.
- ۲- این خبر ظهور دارد در این که میان محصن و غیر محصن تفاوتی نیست مضافاً به این که صحیحه تصریح می‌کند زناى محصن بر حسب رجم تنها بواسطه ۴ بنیه اثبات می‌شود و اقرار نمی‌تواند مثبت حد رجم شود و این مخالف مذهب اصحاب است.

بواسطه عروض این اشکالات برخی این خبر را حمل بر تقیه کرده‌اند (مبانی تکمله المنهاج، خوبی، ۱، ۱۷۶) و مؤید آن را موافقت با مشهور عامه دانسته‌اند (شیخ محمد حسن نجفی، ۱۳۶۷، ۲۸۲، ۴۱) و گروهی خبر را به غیر حد زانی حمل کرده‌اند (سید علی طباطبائی، ۱۴۰۴، ۲، ۴۶۲) و حتی طرح کلی صحیحه را اوجه وجوه و وجه متعین دانسته‌اند (همان)

جواب به اشکالات: اما این اشکالات هیچ کدام موجه به نظر نمی‌رسد و وجوه حمل تماماً قابل مناقشه است. باید دانست مورد خبر صرفاً کمیت اقرار موجب ثبوت حد است و امام صرفاً در مقام بیان چنین امری است صحیحه فضیل می‌گوید هر کسی با یک اقرار تام حد بر ذمه او مستقر می‌شود و از این جهت فرقی بین حر و عبد، زن و مرد و... نیست دلالت صحیحه تنها همین مقدار است و این مقدار دلالت نه مخالفتی با قواعد فقه امامیه دارد و نه در تعارض با مذهب اصحاب است مگر فقیهی هست که ادعا کند اقرار مثبت حد برای عبد مثلاً دو برابر اقرار حر است پاسخ آن بی‌تردید منفی است همه متفقند از جهت عدد اقرار بر بین عبد و حرفرقی نیست، بله ثبوت حد بر ذمه عبد علاوه بر اقرار محتاج تصدیق مولی است لکن این مطلبی است که خارج از مورد صحیحه و بیرون از موضوع بیان آن است. اما در مورد اشکال دیگر به نظر نمی‌رسد صحیحه دلالت اقرار را در اثبات حد نفی کرده باشد بلکه خبر فضیل (یکی از) راه اثبات حد را زنای محصن ۴ بینه ذکر کرده است، نفی دلالت اقرار بر اثبات حد در خبر فضیل مفهومی است که نگارنده از صحیحه مزبور برداشت نمی‌کند. شاید فقیهان ارجمند بفرمایند از آنجا که خبر در مقام بیان طرق اثبات زنا محصن است عدم‌البیان دلیل بر عدم اعتبار است اما دوباره تأکید دارم خبر فضیل صرفاً در مقام ذکر « نفوذ یک اقرار » در اثبات همه حدود است و استثنای آن را زنا محصن موجب رجم می‌داند با این توضیح احتمالات وارده در کلام فقها در رد خبر مزبور را صحیح نمی‌دانم چرا که صرف موافقت با عامه دلیل ضعف اخبار نیست بلکه موافقت و یا مخالفت با عامه از مرجحات باب تعارض‌اند و با توضیحات نگارنده به نظر نمی‌رسد صحیحه مزبور تعارضی با اخبار دیگر داشته باشد بدین خاطر حمل خبر بر تقیه نیز موجه نیست و حمل آن به غیر حد زنا مخالفت صریح صحیحه است . والله العالم

نتیجه: در باب اشتراط تعدد اقرار در زنا دو نظریه سنتی در آثار مفصل فقهی امامیه قابل

بازشناسی‌اند:

نظریه اول: که منتسب به مشهور ایشان است قائل به اشتراط چنین امری هستند و عدد لازم در این اقرار را ۴ اقرار می‌دانند. در مقابل این ابی عقیل عمانی اقرار واحد را در اثبات جرم زنا کافی می‌داند. نگارنده با مناقشه هر دو قول و بررسی مستندات هر دو رای به رای سومی متمایل شده است و معتقد است بجز در زناى موجب رجم یک اقرار کافی در اثبات مطلق زنا خواهد بود لکن تنها در جرم مذکور از باب حفظ دماء رأی مشهور را مصاب به واقع می‌بیند این نظریه علاوه بر سازگاری با روایات باب رجم و نیز عمومات و اطلاعات ادله نظیر اقرار العقلا علی انفسهم جایز، مستظهر به دلیل خاص است. صحیحه فضیل راه حل جمع میان رأی نادر و قول مشهور است و همت نویسنده زدودن غبار اشکالات و ایرادات از ساحت خبر فوق و اثبات مدعای خویش بود

فهرست منابع:

- ۱- ابن ادریس الحلی، ابی جعفر محمد بن منصور، (۱۴۱۰)، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی [الطبعة الثانية].
- ۲- ابن الاثعث السجستانی، الحافظ ابی داود سلیمان، (بی‌تا)، **سنن ابی داود**، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- ۳- ابن براج الطرابلسی، القاضی، عبدالعزیز، (بی‌تا)، **المهذب**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، (ایران).
- ۴- ابن رشد القرطبی الاندلسی، أبو الولید محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد، (بی‌تا)، **بداية المجتهد ونهاية المقتصد**، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع.
- ۵- ابن قدامه موفق الدین ابی محمد عبد الله بن احمد بن محمد، (بی‌تا)، **المغنی**، دار الكتاب العربی للنشر والتوزیع.
- ۶- الاردبیلی، احمد بن محمد، (بی‌تا)، **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان**، قم، مؤسسه نشر الاسلامی.
- ۷- الخوانساری السید احمد، (۱۳۵۵)، **جامع المدارک فی شرح المختصر النافع**، الناشر مكتبة الصدوق، طهران، الطبعة الثانية.
- ۸- الخوئی السید أبو القاسم الموسوی، (بی‌تا)، **مبانی تکملة المنهاج**، مطبعة الآداب، النجف الاشرف.
- ۹- سالار، ابی یعلی حمزة بن عبد العزيز الدبلمی، (۱۴۱۴)، **المراسم العلویة فی الاحکام النبویة**، قم، الناشر: المعاویة الثقافیة للمجمع العالمی لاهل البيت (ع) تاریخ الطبع، المطبعة امیر،
- ۱۰- السرخسی شمس الدین، **المبسوط**، لبنان، دار المعرفة بیروت.

- ۱۱- الشهيد الثاني، زين الدين الجبجي العاملي، (۱۴۱۰)، **روضه البهيه في شرح اللمعه الدمشقيه**، قم، انتشارات دادرس [الطبعة الاولى].
- ۱۲- الشهيد الثاني، زين الدين الجبجي العاملي، (۱۴۱۳)، **مسالك الافهام في شرح شرايع الاسلام**، قم، مؤسسه المعارف الاسلامي، [الطبعة الاولى].
- ۱۳- شيخ الطائفة أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي، (۱۴۰۷)، **الخلاف**، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، التاريخ.
- ۱۴- شيخ الطائفة أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي، (۱۳۸۷)، **المبسوط في فقه الإمامية**، طهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، المطبعة الحيدرية، .
- ۱۵- الشيخ المفيد، أبي عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي، (۱۴۱۰)، **المقنعة**، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، الطبعة الثانية.
- ۱۶- الصدوق أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي، (بي تا)، **من لا يحضره الفقيه**، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة.
- ۱۷- الطباطبائي، سيد علي، (۱۴۰۴)، **رياض المسائل في بيان الاحكام بالدلائل**، قم، مؤسسه آل بيت،
- ۱۸- العاملي، الشيخ الحر، (بي تا)، **وسايل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعة**، دار احياء التراث العربي، بيروت.
- ۱۹- العلامة الحلي، حسن بن يوسف بن المطهر، (۱۴۱۰)، **إرشاد الأذهان إلى أحكام الايمان**، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة، مطبعة مؤسسه النشر الإسلامی الطبعة الأولى.
- ۲۰- العلامة الحلي، حسن بن يوسف بن المطهر، (۱۴۲۰)، **تحرير الاحكام الشرعية على مذهب الاماميه**، قم، مؤسسه الامام الصادق، [الطبعة الاولى].
- ۲۱- العلامة الحلي، حسن بن يوسف بن المطهر، (۱۴۱۳)، **قواعد الاحكام في معرفة الحلال والحرام**، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، الطبعة : الاولى.
- ۲۲- العلامة الحلي، حسن بن يوسف بن المطهر، (۱۴۱۲)، **مختلف الشيعه في أحكام الشريعة**، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة، الطبعة : الأولى.
- ۲۳- الفاضل الآبي، زين الدين أبي علي الحسن بن أبي طالب، (بي تا)، **كشف الرموز في شرح المختصر النافع**، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
- ۲۴- الفاضل الهندى، بهاء الدين محمد بن الحسن، (۱۴۰۵)، **كشف اللتام**، قم، مكتبه سيد المرعشى.
- ۲۵- الكاسانى الحنفى علاء الدين ابى بكر بن مسعود، (۱۴۰۹)، **بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع**، الناشر المكتبة الحبيبية، باكستان، الطبعة الاولى.
- ۲۶- الكليپايگانى، سيد محمد رضا، (۱۴۱۲)، **الدر المنضود في احكام الحدود**، مقرر الشيخ على الكرىمى الجهرمى، دار القرآن الكرىم، [الطبعة الاولى].
- ۲۷- المحقق الحلي، نجم الدين جعفر بن الحسن، (۱۴۰۹)، **شرايع الاسلام في المسائل الحلال و**

الحرام، انتشارات استقلال تهران، [الطبعة الثانية].

۲۸- المحقق الحلبي، نجم الدين جعفر بن الحسن (۱۴۰۲)، المختصر النافع في فقه الامامية، طهران، منشورات، قم الدراسات الاسلاميه في مؤسسه البعثة الطبعه الثانيه.

۲۹- المزني اسماعيل، (بي تا)، مختصر المزني، دار المعرفة للطباعة والنشر، بيروت لبنان.

۳۰- النجفي، الشيخ محمد حسن، (۱۳۶۷)، جواهر الكلام في شرح شرايع الاسلام، تهران، دار الكتب، الاسلاميه، نوبت چاپ سوم.



پرويشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني

